

نگاه تازه‌ای به زندگی عمادی غزنوی

(به همراه معرفی منابع نویافته از اشعار او)

محمد افشین‌وفایی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

(از ص ۹۳ تا ۱۱۲)

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۳۱

چکیده

امیر ابومحمد عمادی غزنوی از شاعران سرشناس قرن ششم هجری قمری است که در زمان حیات از شهرت بسزایی برخوردار بوده است. با این حال از زندگی او آگاهی زیادی نداریم و دیوان اشعارش نیز تاکنون به دست ما نرسیده است. در این مقاله، نویسنده کوشیده است با شناسایی منابع متعدد و گاه جدید و با اتکا بر اشعار چاپ‌شده و چاپ‌نشده عمادی، پرتو تازه‌ای بر زندگی این شاعر بزرگ عهد سلجوقی بیفکند. در پایان، از خلال کتاب‌های چاپی و جنگ‌ها و مجموعه‌های خطی، مآخذ اشعار عمادی - که برای جمع‌آوری و تدوین دیوان وی باید از آنان استفاده شود - معرفی شده است.

واژه‌های کلیدی: شعر فارسی در قرن ششم، عمادی غزنوی، عمادی شهریاری، ممدوحان عمادی.

زندگی شاعر

عمادی از شاعران سرشناس قرن ششم هجری بوده است. آمدن نامش در کتاب‌های ادبی و تاریخی و شعر شاعرانی که در آن قرن می‌زیسته‌اند، نشان از شهرت وی در زمان حیات و روایی اشعارش دست‌کم تا اواخر قرن هفتم هجری دارد.

منابع عصری و نزدیک به روزگار حیات، نامش را «عمادی» (عوفی، ۱۳۳۵: ۳۳۳؛ قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۲۱؛ سید حسن غزنوی، ۱۳۶۲: ۱۹۰، ۲۲۸؛ انوری، ۱۳۷۶: ۴۸۷، ۷۶۰؛ نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۴۳، ۱۶۷؛ «مجمع‌الریایات»، ۱۳۸۹: ۴۹؛ راوندی، ۱۳۳۳: ۵۷، ۲۰۹؛ «دو دیوان کهن از روزگار مغول»، ۱۳۸۹: ۱۲۵؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۰۷؛ شمس‌قیس، ۱۳۳۸: ۲۶۱، ۳۲۵، ۳۶۶، ۳۷۵، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۶۵؛ کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۲۵؛ سیف‌الدین اسفنگی، ۱۳۵۷: ۵۹۹؛ مجد همگر، ۱۳۷۵: ۶۳۰)، «عمادالدین» (نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۳۳، ۱۶۷)، «عمادی غزنوی» (همان: ۳۳؛ مجموعه شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: ۱۲۴)، «امیر عمادی» (راوندی، ۱۳۳۳: ۲۰۹-۲۱۰)، «عمادالدین غزنوی» (عوفی، ۱۳۳۵: ۴۳۰)، «عماد غزنوی» (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۳۰۴، ۳۷۲، ۶۶۱) ثبت کرده‌اند. در سفینه بولونیا نامش «امیرالحکیم ملک‌الشعرا ابومحمد العمادی الغزنوی» آمده است (افشار، ۲۴۸). قدیم‌ترین جایی که برای او نسبت «شهریاری» آورده، سفینه اشعار شماره ۴۴۹ کتابخانه راغب‌پاشا در استانبول (کتابت شعبان ۷۵۴) است. گویا عمادی در دوره‌ای از فعالیت خویش «شهریاری» هم تخلص می‌کرده است (سفینه ش ۵۳۴ کتابخانه مجلس سنا: گ ۲۰۵ پ. درباره یکی بودن عمادی غزنوی و شهریاری، نک: تقی‌کاشی، نسخه ش ۲۷۲ کتابخانه مجلس، گ ۳۴۵ پ). اگرچه نامش «عمادالدین» بوده و تواند بود که تخلص «عمادی» را از نام خویش گرفته باشد، راوندی (۱۳۳۳: ۲۱۰) در *راحة الصدور* (تألیف ۵۹۹-۶۰۳ ق) نوشته است: «و امیر عمادی اگرچه به ملک مازندران اختصاصی داشت و لقب او از عمادالدوله فرامرز شاه مازندران منبئ است، عظمت از شاعری حضرت سلطان یافت» و شاید در انتخاب این تخلص، به هر دو وجه نظر داشته است.

تولدش ظاهراً در اواخر قرن پنجم و زادگاهش به احتمال زیاد غزنه بوده است. صاحب *ذیل نفته المصدر* (پایان تألیف: ۵۸۴ ق) که اطلاعات منحصری از عمادی به دست داده و آشکار است که او را خوب می‌شناخته، نسبتش را «غزنوی» نوشته است (نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۳۳). عوفی (۱۳۳۵: ۴۳۰) نیز در *لباب‌الالباب* ترجمه او را در جزو شاعران غزنه آورده است.

عمادی گویا در عنفوان جوانی غزنه را ترک گفته و به دربار عمادالدوله فرامرز شاه مازندران (قزوینی، ۱۳۳۲؛ فروزانفر، ۱۳۸۰: ۵۲۱) پیوسته است. در نزد آن شاه، کارش بالا گرفته و در شاعری شهرتی به هم رسانده است (نک: عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۶۹، ۷۷، ۸۹، ۹۷). اینکه عمادی تخلص خویش را نیز متناسب با نام عمادالدوله برگزیده، نشان از آن دارد که پیش‌تر خاطر به مدح شهریاری مشغول نکرده بوده است (فروزانفر، ۱۳۸۰: ۵۲۱-۵۲۲). او در خدمت عمادالدوله از نعمت و آسایش برخوردار بوده و ظاهراً تا پایان عمر آن شاه در سایه حمایت وی روزگار می‌گذرانده است؛ به طوری که قصیده بلندی در رثای او سروده است (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۴؛ یاری گل‌دره، ۱۳۹۱: ۶۰). در فاصله مرگ شاه مازندران تا بر تخت نشستن طغرل بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی به سال ۵۲۶ ق، از احوال عمادی اطلاعی نداریم. از مدحی که برای قوام‌الدین وزیر سروده (نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۳۳؛ نصرالدین منشی، ۱۳۳۸: ۷۶؛ عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۴۲) معلوم می‌شود که دست‌کم از آغاز پادشاهی طغرل به دستگاه سلاجقه راه یافته بوده و احتمالاً قصیده «کار خرد ساخته است کام خرد حاصل است / هیچ بهانه نماند شاه جهان طغرل است» (عوفی، ۱۳۳۵: ۴۳۳-۴۳۴) را هم پس از مسلم شدن مُلک بر طغرل در جمادی‌الآخر ۵۲۶ ساخته است. چون طغرل در ماه‌های آغازین سلطنت بیشتر در همدان بوده است (درباره حوادث این ایام، نک: ابونصر انوشروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۴۵-۱۵۴؛ صدرالدین ابوالحسن حسینی، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۳۵)، احتمال می‌رود که عمادی نیز همانجا در رکاب وی بوده باشد. قرینه‌ای که این حدس را اندکی تقویت می‌کند، مثنوی کوتاهی است منسوب به عمادی «در مدح فرزندان مسعود سعد سلمان و تعریف و توصیف شهر همدان و کوه الوند»^۱.

^۱ برای این مثنوی نک: مجموعه اشعار شماره ۲۴۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (حاشیه ص ۵۰۰)، عبدالباقی نهاوندی، ۱۹۲۴: ۱، ۵۵-۵۶. مؤلف ناشناس *مجموعه التّواریخ و التّقصص* (تاریخ تألیف: ح ۵۲۰ ق) که احتمالاً در همدان به سر می‌برده، مدت پادشاهی هر یک از پادشاهان غزنوی را از «املائی امیر عمادی محمود بن الامام السنجرى (نسخه برلین: السنجرى) الغزنوی - حفظه الله» یاد کرده است (مجموعه التّواریخ، ۱۳۷۹: گ ۱۴۴ پ). حبیبی در *تعلیقات طبقات ناصری* (۱۳۴۳: ۲۷۵/۲-۲۷۹) این امیر عمادی را همان عمادی شاعر دانسته است. اما درستی این نظر سخت محلّ تردید است؛ زیرا مؤلف *مجموعه التّواریخ* که در پذیرفتن اخبار و روایات، فردی معقول بلکه سخت‌گیر بوده، قول امیر عمادی محمود را «محلّ اعتماد» یافته است، اما عمادی شاعر نه دستی در تاریخ‌نگاری داشته است و نه در غزنه با دربار غزنویان مرادده‌ای. به هر روی، اگر به احتمال ضعیف، این امیر عمادی همان عمادی شاعر باشد، او پیش از سال ۵۲۰ ق در همدان بوده و این نشان می‌دهد عمادالدوله فرامرز نیز پیش از این تاریخ وفات یافته بوده است.

عمادی در یکی از سفرهای طغرل از لشکر وی جدا شده و در ری رخت اقامت افکنده است. خود در قطعه‌ای (سفینه شماره ۶۵۱، سنا، ۳۴۹) در مدح قاضی عمادالدین حسن گوید:

چون سنایی اوفتاد از خطه غزنین به بلخ	تازه کرد از مدحت قاضی حسن روی سخن
چون مرا از لشکر سلطان به ری پیوست بخت	بر در قاضی حسن دیدم معالی را وطن
اندر آن فکرت که این قاضی چو آن قاضی بود	از عرق در آب آتش‌زای دیدم خویشتن
آسمان گفت آفتابا با عمادی گو به است	خاک این قاضی حسن از خون آن قاضی حسن
ای دریغا روی آن بودی که مدحش گفتمی	تا زمانه فرق کردی شعر او از شعر من
گفتمی ای کلکت آن مرغی که در پرواز او	آورد فرمان تو سیمرغ را بر بابزن
گفتمی ای کرده کینت بر خلاف آسمان	مشتتری را زهره‌سوز و زهره را بربطشکن

طغرل در ربیع‌الآخر ۵۲۶ در پی عمّ خویش، سلطان سنجر، وارد ری شد (ابونصر انوشروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۴۲). اگر عمادی در این سفر همراه طغرل بوده باشد، پس پیش از پادشاهی او در سلک شاعران حضرتش درآمده است؛ واگر نه، در سفرهای بعدی در ملازمت لشکر طغرل به ری آمده و در آنجا ماندگار شده است. به هر روی، آمدن عمادی به ری میان سال‌های ۵۲۶ تا ۵۲۸ ق بوده است.

عمادی را قصیده دیگری است در مدح طغرل (عوفی، ۱۳۳۵: ۴۳۴-۴۳۶؛ عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۶) که در آن ذکر دلاوری‌های خوارزم‌شه (احتمالاً عین‌الدوله خوارزم‌شاه مذکور در تاریخ دولت آل سلجوق: ۱۵۵) و اتابک قراسنقر کرده و احتمالاً آن را در تهنیت پیروزی طغرل بر برادرش، مسعود، در اواخر سال ۵۲۷ یا اوایل ۵۲۸ ق سروده است (برای حوادث این ایام، نک: ابونصر انوشروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۵۵-۱۵۷)؛ پس تا اواخر ایام پادشاهی طغرل همچنان به مدح وی اشتغال داشته است. رونق بازار شاعری و ایام جمعیت خاطر عمادی هم گویا در زمان همین پادشاه سلجوقی بوده است. به گفته راوندی (۱۳۳۳: ۲۱۰)، عمادی «عظمت از شاعری حضرت سلطان یافت و اول دیوانش مدح سلطان است». او در مدتی که مدیحه‌پرداز طغرل بود، به لقب «سلطانی» - لابد از جانب خود سلطان - ملقب شد (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۱۰۹)، اما در شعر خویش کمتر از این لقب یاد کرده است.

عمادی، باقی عمر را گویا در ری زیسته است؛ زیرا منابع متأخر، مسکن یا موطن

وی را شهریار ری دانسته‌اند (نک: تقی کاشی، نسخه ش ۵۹۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۴۲؛ امین احمد رازی، ۱۳۸۹: ۱۱۷/۲؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۶۸۲/۵) که برگرفته از نسبت شهریاری در نام اوست و ممکن است سخنی درست و راست باشد. وی در قصیده‌ای، قوامی رازی (احتمالاً زنده تا ۵۵۰-۵۶۰ ق) را ستوده و «فخر شهر ما» خوانده است (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۲۰). ظاهراً پس از طغرل به ثناگویی بزرگان ری اکتفا کرده و به دستگاه پادشاهی اختصاص نیافته است. هم از این روست که در بعضی اشعارش از وضع خویش شکوه دارد (عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۹۵) و گاه نزد ممدوح گله می‌گزارد (همان: ۹۰-۹۲ و ۹۴-۹۵)، یا طلب پول می‌کند (همان: ۸۶). راوندی (۱۳۳۳: ۲۰۹) حکایتی خواندنی در این باب آورده است.

هرچه بر عمر عمادی افزوده می‌شود، آگاهی ما از احوالش کاهش می‌یابد. آنچه به واسطه اشعار بازمانده‌اش به دست آمدنی است، آگاهی از نام چند ممدوح است در سال‌هایی پراکنده، که برای ترسیم طرح کلی زندگی عمادی باید از همان‌ها یاری جست. معرفی ممدوحان شاعر، بعضی زوایای تاریک زندگی او را روشن می‌سازد.

ممدوحان عمادی پس از سیف‌الدین عمادالدوله فرامرز بن رستم، از ملوک باوندیه مازندران، (زنده در ۵۱۵ ق و چند سال بعد)، (درباره او، نک: قزوینی: ۱۳۳۲. قصیده‌های ۵، ۶، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۷، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۹ و ظاهراً قصیده ۱۳ دیوان چاپی در مدح او و قصیده ۳۶ در رثای اوست) و رکن‌الدین ابوطالب طغرل بن محمد بن ملک‌شاه سلجوقی (جمادی‌الآخر ۵۲۶-اوایل ۵۲۸)، (قصیده‌های ۲، ۳، ۲۳، ۴۰ دیوان چاپی در مدح اوست) عبارت بوده‌اند از:

- قوام‌الدین ابوالقاسم درگزینی، وزیر سلطان سنجر بن ملک‌شاه، محمود بن محمد بن ملک‌شاه، طغرل بن محمد بن ملک‌شاه که به فرمان طغرل در ۵۲۷ ق کشته شد (درباره او، نک: ابونصر انوشروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۳۱-۱۳۶، ۱۴۲-۱۵۵؛ نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۲۲-۵۳؛ ناصرالدین منشی، ۱۳۳۸: ۷۴-۷۷؛ اقبال، ۱۳۸۴: ۲۶۵-۲۷۴. قصیده‌های ۷ (نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴) و ۸ و قطعه ۲۱ دیوان چاپی در مدح اوست).

- امیر سید تاج‌الدین دولت‌شاه بن علاءالدوله، از امرای دربار طغرل بن محمد، که از آزار قوام‌الدین وزیر برکنار نمانده بوده است (نک: ابونصر انوشروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۴۸. دو قصیده ۱۴ و ۲۳ بیتی در بیاض ش ۱۰۶۶ مرکز احیاء میراث اسلامی: ۲۴۰-۲۴۱ در مدح اوست. پنج بیت از قصیده دوم در دیوان چاپی عمادی جزو غزلیات آمده است. نک: عمادی شهریاری، ۱۳۸۱: ۱۱۵).
- امیر مجیرالدین محمد بن شرف‌الدین ظهیرالملک ابوالحسن علی بن حسن بیهقی.

او تا سال ۵۳۳ ق «در اعمال ری متصرف بود» و در ۵۳۶ ق به همراه پدر در جنگ کشته شد (درباره او و پدرش نک: محدث، ۱۳۵۸: ۱۷۸-۱۸۱. قصیده ۱۰ و ترکیببند ۲ دیوان در مدح اوست).

- امیر حاجب فخرالدین عبدالرحمان بن طغایرک (مقتول در ۵۴۱ ق)، حاجب بزرگ سلطان مسعود بن محمد بن ملکشاه (درباره او، نک: ابونصر انوشیروان کاشانی، ۱۹۷۴: ۱۵۶، ۱۷۵-۱۷۶، ۱۸۱، ۱۸۴-۱۸۵، ۱۹۵، ۱۹۷-۱۹۸؛ نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۱۰۱، ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۴-۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۲-۱۹۳، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۱-۲۰۲؛ ظهیرالدین نیشاپوری، ۲۰۰۴: ۷۷، ۸۰-۸۲، ۸۶؛ راوندی، ۱۳۳۳: ۲۲۵، ۲۳۲-۲۳۳، ۲۳۵-۲۳۹؛ ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۱۰۷-۱۰۸. قصیده‌های ۱۱، ۲۲ و ترکیببند ۱ دیوان در مدح اوست).

- قاضی عمادالدین حسن استرآبادی (وفات ۵۴۱ ق)، فقیه و مفتی ری (درباره او، نک: محدث، ۱۳۵۸: ۱، ۳۹۸-۴۱۲. قطعه‌ای ۷ بیتی که در سفینه ۶۵۱ کتابخانه سنا (۳۴۹) آمده در مدح اوست).

- عزالدین قتلغ‌ابه، امیر بار. نفیسی احتمال داده است ناصرالدین قتلغ‌ابه بازداري از امرای دربار مسعود سلجوقی (۵۲۹-۵۴۷ ق) باشد (نک: عوفی، ۱۳۳۵: ۷۲۴-۷۲۵). قصیده ۲۶ دیوان چاپی در مدح اوست (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۲).

- قطب‌الدین ابومنصور مظفر بن اردشیر معروف به امیر عبّادی (متوفی ۵۴۷ ق)، از واعظان مشهور ری در نیمه اول قرن ششم که قوامی هم او را مدح گفته (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۱۴۶-۱۴۹. درباره او، نک: یوسفی، ۱۳۴۷. قصیده‌های ۹، ۱۸ و احتمالاً قطعه ۳۸ دیوان در مدح اوست).

- جلال‌الدین ابوالفضل بن قوام‌الدین ابوالقاسم، وزیر محمد بن محمود سلجوقی در سال‌های ۵۴۸-۵۴۹ ق، ارسلان بن طغرل در سال‌های ۵۶۵-۵۷۱ ق و طغرل بن ارسلان (درباره او نک: ظهیرالدین نیشاپوری، ۲۰۰۴: ۹۴، ۹۹، ۱۱۶-۱۱۷، ۱۱۹؛ نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۲۱۵-۲۲۴، ۲۶۸-۲۸۲؛ ناصرالدین منشی، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۷. قصیده ۱۲ دیوان در مدح اوست. این قصیده در جوانی جلال‌الدین و زمانی که او وزیر محمد بن محمود بوده، سروده شده است. نک: عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۶۶-۶۷).

- ملک‌طغان نامی که شاعر او را «شاه» و «خسرو» خوانده است؛ و شاید طغان‌شاه بن مؤید آی‌ابه، فرمانروای خراسان (۵۶۹-۵۸۱ ق) باشد (قزوینی، ۱۳۳۲: ۳۴۸. قصیده ۲۸ دیوان در مدح اوست). اگر این تعیین هویت درست باشد، عمادی، طغان‌شاه را از راه دور

ستوده و شعر خویش را ارسال خدمت داشته؛ زیرا بعید است که در سنین کهولت به آن جانب سفر کرده باشد. از طرفی، عمادی در همین ایام ظاهراً جهان‌پهلوان محمد را هم مدح گفته، حال آنکه اگر به خراسان نزد طغان‌شاه رفته بود، دلیلی و مجالی برای مدح جهان‌پهلوان نداشت.

- شاه جهان‌پهلوان که احتمالاً جهان‌پهلوان نصرت‌الدین محمد بن ایلدگز (۵۷۱-۵۸۲ ق) از اتابکان ایلدگری آذربایجان است.^۱

شناسایی دیگر ممدوحان عمادی، محتاج تحقیق بیشتر است: شاه ازبک (قصیده ۴ دیوان در مدح اوست)، منتجب‌الدوله محمد نعمان (قصیده ۱۷ در مدح اوست)، قسیم‌الدوله محمود بن بزغش (قصیده ۳۷ در مدح اوست)، مجیرالدین کی ارسلان بن قراجه الفخری (قطعه‌ای ده بیتی به ش ۲۴۶ در بیاض ش ۱۰۶۶ مرکز احیاء میراث اسلامی در مدح اوست)، عزالدوله عبدالواحد (قصیده ۳۸ دیوان در مدح اوست)، عبدالجلیل (غزل ۱۶ دیوان در مدح اوست)، و عبدالصمد (غزل ۲۶ در مدح اوست).

باری، اگر مراد از شاه جهان‌پهلوان، نصرت‌الدین محمد باشد، عمادی او را پس از نشستن بر تخت فرمانروایی آذربایجان، یعنی پس از سال ۵۷۱ ق مدح کرده است؛ زیرا او را «شهریار»، «خسرو» و «شاه» خوانده است (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۸۱). پس دست‌کم تا سال ۵۷۱ ق در قید حیات بوده است. از طرفی در زمانی که نجم‌الدین ابوالرجاء قمی (۱۳۸۸: ۱۶۷) ذیل *نفته المصدور* را می‌نوشته (پایان تألیف ۵۸۴ ق) عمادی به سرای دیگر شتافته بوده است:

عمادی شاعر را پسرخوانده‌ای بود نام او صدیق، که تازه سر از گریبان او برآورده بود.
اگر در آینه نگریستی، او را از خویشتن بوسه آرزو کردی. اگر آن زنان که یوسف
- علیه‌السلام - را دیدند او را دیدندی، دل بریدندی نه دست. چون عمادی درگذشت و

^۱ قزوینی درباره هویت او نوشته است: «در یکی از قصاید وی نام "خسرو گردون‌کمند شاه جهان‌پهلوان" آمده است، ولی ندانستم علی وجه یطمئن الیه القلب که آیا فی الواقع مراد همان جهان‌پهلوان معروف است یا آنکه مقصود یکی از ملوک دیگر است که برای تبجیل و تعظیم، او را به نعت جهان‌پهلوان ستوده است». نک: قزوینی، ۱۳۳۲: ۳۴۸. چون از طرفی بیت «خسرو گردون‌کمند...» بلافاصله پس از بیت تخلص آمده و موضع ذکر نام ممدوح است و از طرفی نصرت‌الدین محمد را دیگر شاعران نیز گاه فقط با لقب «جهان‌پهلوان» ستوده‌اند (مثلاً نک: راوندی، ۱۳۳۳: ۳۰۷)، تقریباً می‌توان اطمینان داشت که ممدوح عمادی همان نصرت‌الدین محمد بن ایلدگز است. قصیده ۲۱ دیوان در مدح اوست.

رقم مشک بر صحیفه کافور زد و سیم را سواد کرد، به خدمت جمال‌الدین ابومعشر^۱ آمد و افسار دنبال آورد تا کره برد. از خدمت او حاصل نمی‌دید. او را گفتند چون می‌باشی؟ گفت چون باشد آن کس که او از عمادالدین بمیرد و ریش درآید و به خدمت جمال‌الدین ابومعشر رود؟ صدیق را عمادالدین به ناز پرورده بود. در خدمت جمال‌الدین ابومعشر باد به غربال می‌پیمود و آب در هاون می‌سود. بر پرده کژ نوایی می‌زد. حال او در خدمت عمادی به‌نظم‌تر از دندان‌ش بود. زنج او آینه عمادی بود، اگر در خواب اثر موی بر زنج او بدیدی بلرزیدی. زنج او عزیزتر از چشم داشت که در چشم نشاید که موی باشد».

بنابراین، وفات عمادی میان سال‌های ۵۷۱ تا ۵۸۴ واقع شده است. تقی کاشی (نسخه ش ۲۷۲ کتابخانه مجلس، گ ۳۴۷ پ؛ نسخه ش ۶۶۷-۶۶۸ ایندیا آفیس، گ ۲۴۶ پ؛ نسخه ش ۵۹۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۴۲ ر، که ظاهراً اول «ستین» نوشته و بعد آن را به «سبعین» تغییر داده‌اند) سال وفات او را ۵۷۳ ق نوشته و ممکن است آن را از مأخذ معتبری به دست آورده باشد.

عمادی و ادبای قرون ششم و هفتم قمری

شعر عمادی در نزد سخن‌سرایان و ادیبان هم‌عصرش از اعتبار برخوردار بوده است. نصرالله منشی (۱۳۸۱: ۱۱۴) در کلیله و دمنه (تألیف ۵۳۸-۵۴۰ ق) دو بیت از او آورده است^۲ که نشان می‌دهد آوازه شعر عمادی در آن ایام تا به مولدش، غزنه، رسیده بوده است. ادیب صابر ترمذی (وفات ۵۴۲ ق؟) را قطعه‌ای است «در حق عمادی؛ گوید:

عمادی دی به نزدیک من آمد	نشستم ساعتی دی با عمادی
ز دیدار عمادی دی بدیدم	مراد دل به وقت بی‌مرادی
چه گویی دید خواهد دیده من؟	عمادی کرده امروز مرادی»

(عوفی، ۱۳۳۵: ۳۳۳)

دانسته نیست که ادیب صابر مدتی به ری رفته یا عمادی سفری به خراسان کرده بوده است. به هر روی، این دیدار پیش از ۵۳۸ ق اتفاق افتاده که سال رفتن ادیب صابر

^۱ جمال‌الدین ابومعشر همدانی کدخدای امیر حاجب عبدالرحمن بن طغایرک بود (نجم‌الدین قمی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

^۲ این بیت در سندبادنامه (ظهیری، ۱۳۶۲: ۹۸، ۳۲۳) و قصه یوسف (احمد بن محمد بن زید طوسی، ۱۳۸۲: ۴۳۶) نیز آمده است؛ نیز نک: هنر، ۱۳۸۶: ۹۱.

به خوارزم بوده است. قوامی رازی (احتمالاً زنده تا ۵۵۰-۵۶۰ ق) به واسطه همشهری بودن، طبعاً با عمادی مراوده داشته است. عمادی قصیده‌ای در تکریم وی سروده (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۲۰) و قوامی نیز آن را جواب گفته و در پایان، عمادی را چنین ستوده است:

بخت بر منشور زد توقیع ما تا عمادی‌وار شد ترجیع ما
(همان: ۲۱)

همچنین انوری (زنده در ۵۶۲ ق) دو بار در اشعار خویش ذکری از عمادی به میان آورده است. یک جا بیتی از او را تضمین کرده (انوری، ۱۳۷۶: ۷۶۰) و جای دیگر به بیتی از او نظر داشته است (همان: ۴۸۷).

از شاعران نیمه نخست قرن ششم، سید حسن غزنوی (وفات بین ۵۵۵-۵۵۷ ق) با عمادی میانه خوبی نداشته است. او چند بار در شعر خویش، عمادی را طعن زده و بر او تفاخر کرده است؛ از جمله در مدح بهرام‌شاه غزنوی (۵۱۱-۵۵۲ ق) و در زمین شعر عمادی بر بدیهه قصیده‌ای ساخته و در آخر خود را بر عمادی برتری داده است:

بر سر خوان عمادی من گشادم این فقاع گرچه شیرین نیست، باری ناردانی آمده‌ست
(سید حسن غزنوی، ۱۳۶۲: ۲۲؛ این قصیده در دیوان چاپی سنایی هم وارد شده (سنایی، ۱۳۵۴: ۸۵-۸۷)، اما از او نیست. نک: عابدی و بگجانی، ۱۳۹۲).

او در قصیده‌ای که در مدح خسروشاه غزنوی (۵۵۲-۵۵۵ ق) سروده و قصیده امیرمعزی را جواب گفته است، خود را از وطواط و عمادی برتر دانسته (سید حسن غزنوی، ۱۳۶۲: ۱۹۰):

زنهار چو وطواط و عمادیم میندار کافسوس بود عیسی با خر به جوالی
خود حکم تو کن کاین به یا شعر معزی کای بر سمن از مشک به عمدا زده خالی
سید حسن غزنوی (همان: ۲۲۸) در ترجیع‌بندی باز عمادی را چنین گوشه زده است:

این کم از شعر عمادی‌ست اگر با شش ماه بر قمر کلک عطارد بنگارد سخنم

در دیوان سید حسن، همچنین قصیده‌ای است بدین عنوان: «در ستایش سلطان گفت در معنی آنکه یکی از شعرای غزنین قصیده‌ای از او در دیوان عمادی نوشته بود» (همان: ۱۹۷). شاعر شکایت به بهرام‌شاه غزنوی می‌برد که فردی بی‌مایه^۱ سه قطعه از اشعار وی را که در مدح بهرام‌شاه بوده، به نام خویش و ممدوحی دیگر کرده است و از بهرام‌شاه می‌خواهد او را چنان تنبیهی کند «که زو عالمی را بود انتباهی». اگرچه عنوان

^۱ در قصیده، نامی از عمادی برده نشده است.

قصیده دقیق نیست، هیچ دور نمی‌نماید که به نسخه‌ای قدیم بازگردد و اصلی داشته باشد؛ زیرا دلیلی وجود ندارد که در ادوار بعد، کاتبان نام عمادی را بر سر این قصیده افزوده باشند.^۱

عمادی چه در زمان حیات و چه پس از آن به سرقت شعر متهم بوده است. در قصیده‌ای که در مدح طغرل سروده است، سعی داشته در این خصوص از خویشترن رفع تهمت کند (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۹-۸۰). صورت کامل‌تر این قصیده در سفینه شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس سنا (۱۵۳-۱۵۵) آمده و در آنجا نام ممدوح هم دیده می‌شود. شمس قیس (۱۳۳۸: ۴۶۴-۴۶۷) نیز در بخش سرقات شعر، نوع انتقال، ابیاتی از قصیده سنایی در مدح بهرام‌شاه آورده و پس از آن نوشته است: «و همچنین عمادی گفته است و بیتی چند بر آن زیادت آورده و تخلص به شاه مازندران کرده». او سپس ابیاتی از قصیده عمادی آورده و در پایان نوشته است: «و هر دو در یک عصر بوده‌اند، معلوم نیست که سابق کدام است و غاصب کدام». در دیوان موجود عمادی باز هم به نمونه‌هایی از این کار برمی‌خوریم. او بندی از ترکیب‌بند سنایی (سنایی، ۱۳۵۴: ۹۵۳) را دستمایه تشبیب قصیده خود کرده است (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۹۶). جای دیگر هم بیتی از سید حسن غزنوی را در موضعی که هیچ نشانی از تضمین ندارد، با اختلافی جزئی در قصیده خویش داخل کرده است (عابدی و بگجانی، ۱۳۹۲: ۱۷۷). مراد، بیت دهم قصیده ۲۸ دیوان (عمادی غزنوی، ۱۳۸۱: ۹۴) است که بیتی است از قصیده سید حسن غزنوی (۱۳۶۲: ۱۲۳).

از ادبای نیمه دوم قرن ششم و سراسر قرن هفتم، جمال‌الدین یوسف بن نصر کاتب، قصیده‌ای در مدح خسروملک غزنوی (مقتول در ۵۸۷ ق) در وزن و قافیه قصیده‌ای از عمادی یا به قول عوفی (۱۳۳۵: ۹۲-۹۳) در «جواب استادالشعرای عمادی» ساخته است. ظهیری سمرقندی (۱۳۶۲: ۱۶، ۱۸، ۹۸، ۱۳۶، ۱۸۳، ۳۲۳) در *سندبادنامه* (تألیف حدود ۶۰۰ ق) چند جا (جمعاً ۱۶ بیت) نثر خویش را به شعر عمادی آراسته است. اثیرالدین

^۱ راوندی نقل می‌کند از شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت‌کله که سید اشرف در همدان از وی خواسته تا «از اشعار متأخران چون عمادی و انوری و سید اشرف و بلفرج رونی و امثال عرب و اشعار تازی و حکم شاهنامه آنچه طبع تو بدان میل کند قدر دوپست بیت از هر جا» اختیار کن و یاد گیر (راوندی، ۱۳۳۳: ۵۷-۵۸). محمد قزوینی آن سید اشرف را که به همدان رفته است، همان شاعر بزرگ عهد بهرام‌شاه و سنجر، سید حسن غزنوی، دانسته (قزوینی، ۱۳۶۳: ۴۵۴)، اما همان‌طور که گذشت، سید حسن شعر عمادی را خوش نمی‌داشته و بعید است که خواندن شعر او را به کسی توصیه کند. اینکه سید اشرف از خویشترن این چنین یاد کند نیز درخور تأمل است.

اخسیکتی (وفات ۶۰۹ ق) شعر عمادی را سبب دوام نام طغرل و عبدالرحمن بن طغایرک دانسته است («دو دیوان کهن از روزگار مغول»، ۱۳۸۹: ۱۲۵):

نام مخلد طلب زین سخن از بهر آنک جز به ثنای بلند نام نشد پایدار
نوبت طغرل گذشت عبدالرحمن بمرد شعر عمادی بماند با من و تو یادگار

شمس قیس در *المعجم* (پایان تألیف ۶۳۰ ق) چند جا ابیات عمادی را شاهد مثال گفته‌های خود آورده است (شمس قیس، ۱۳۳۸: ۲۶۱، ۳۲۵، ۳۶۶-۳۶۷، ۳۷۵-۳۷۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۶۵-۴۶۷؛ جمعاً ۳۴ بیت). کمال‌الدین اسماعیل (وفات ۶۳۵ ق) بیتی از عمادی را که در مدح طغرل بوده، با ذکر نام شاعر تضمین کرده است (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۳۲۵). شمس سجاسی ابیاتی از عمادی را بی ذکر نام در *فرائد السلوک* (۱۳۶۸: ۳۴۶) و *دیباچه* دیوان ظهیر (ظهیر فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۶) و منشآت خویش (نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۴۰: گ ۱۶۴ ر) آورده است. سیف‌الدین اسفرننگی (۱۳۵۷: ۵۹۸-۵۹۹) (وفات ظاهراً ۶۶۶ ق) در قطعه‌ای ضیاء‌الدین پارسی را چنین تحسین کرده است:

چون شعر تو خواندم و نوشتم در غایت لطف و دل‌گشایی
سر برزده بود بهر تحسین دیدم به هدایت خدایی،
از هر لفظش یکی عمادی وز هر حرفش یکی سنایی

مجد همگر (وفات ۶۸۶ ق) نیز در قطعه‌ای به عمادی خرده گرفته است که چرا «علی حسن» نام شاعری را «حسن ثانی» خوانده است. مجد همگر در سراسر این قصیده از لفظ و معنی شعر علی حسن انتقاد کرده است (مجد همگر، ۱۳۷۵: ۶۳۰-۶۳۴).^۱

از اواخر قرن هفتم، نام عمادی را در شعر دیگران یا اشعار او را در کتاب‌های ادبی کمتر سراغ می‌کنیم و این می‌رساند که او احتمالاً مقبولیت خویش را میان ادبا از دست داده بوده است. شاید به همین دلیل، دیوان اشعارش کمتر استنساخ می‌شده است.

منابع اشعار عمادی

از گزارش راوندی در *راحة الصدور* درمی‌یابیم که عمادی اگر نه در زمان حیات، دست‌کم از اواخر قرن ششم، دیوان مدوتی داشته که با مدح طغرل آغاز می‌شده (راوندی، ۱۳۳۳:

^۱ رضی‌الدین نیشابوری نیز در تمجید از این قطعه علی حسن، قطعه‌ای بر همین وزن و قافیه دارد. نک: رضی نیشابوری، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱. گویا مراد از علی حسن، ابوالحسن باخرزی صاحب *دمیه‌القصر* (وفات ۴۶۷ ق) است.

(۲۱۰) و این دیوان را عوفی در دست داشته است (عوفی، ۱۳۳۵: ۴۳۰-۴۳۱). تقی کاشی در اواخر قرن دهم، دیوان اشعار وی را که قریب به چهارهزار بیت بوده است دیده و منتخبی از آن را در تذکره خویش آورده است (تقی کاشی، نسخه ش ۲۷۲ کتابخانه مجلس: گ ۳۴۷ پ؛ همان، نسخه ش ۵۹۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، گ ۴۲ ر). مؤلف تذکره هفت *قلیم* در همان ایام نوشته است: «دیوان اصل عمادی اگرچه موجود نیست، اما قریب دو هزار بیت از وی متداول است» (امین احمد رازی، ۱۳۸۹: ۲، ۱۱۷۱). اوحدی بلیانی (۱۳۸۹: ۲۶۸۲/۵) هم اصل کامل دیوان را ندیده بوده است: «دیوان وی اگرچه پنج هزار بیت است، اما به نظر فقیر، بیش از دو و پانصد یا سه هزار نگذشته». ولی صاحب *خلاصه الافکار* (ابوطالب تبریزی، گ ۱۴۶ ر) در آغاز سده سیزدهم آورده است: «دیوانش مشتمل بر چهار هزار بیت از کتب حاضر است». به هر روی چون در قرن ششم و هفتم، دیوانش متداول بوده و تا روزگاری نه چندان دور هنوز نسخه‌هایی از آن یافت می‌شده است، باید امیدوار بود روزی نسخه‌ای از آن پیدا شود.

شعر عمادی را از همان سده ششم درخور درج در سفینه‌های اشعار دانسته‌اند (راوندی، ۱۳۳۳: ۵۷-۵۸) و اشعارش در مجموعه‌های شعر قدما یافت می‌شود. عمده مآخذ اشعار عمادی - از یک بیت گرفته تا منتخبی از دیوان - به ترتیب قدمت عبارت‌اند از:
- قصیده‌ای در تمجید از قوامی رازی که در دیوان قوامی آمده (قوامی رازی، ۱۳۳۴: ۲۰) و در دیوان چاپی عمادی داخل نشده است.

- در *ذیل نفته المصدر* از نجم‌الدین ابوالرجاء قمی (۱۳۸۹: ۳۳-۳۴، ۴۳-۴۴) جمعاً هشت بیت از عمادی آورده شده که از این میان یک قطعه سه بیتی در دیوان چاپی نیست.
- در کهن‌ترین رباعی‌نامه فارسی، *مجمع‌الرباعیات*، گردآورده ابوحنیفه عبدالکریم بن ابی‌بکر (در ۵۸۴-۶۰۰ ق)، (۱۳۸۹: ۳۵) یک رباعی از او با عنوان «عمادی» آمده که در دیوان نیست.

- راوندی در *راحة الصدور* دو قصیده کامل عمادی را از برای نمونه شعر او آورده (راوندی، ۱۳۳۳: ۲۱۰-۲۱۴) و جای دیگر نه بیت از قصیده عمادی را در رثای عمادالدوله فرامرزی به دنبال گزارش مرگ طغرل بن ارسلان افزوده است (همان، ۳۷۲). بعضی از ابیات این قصاید در دیوان چاپی وارد نشده است (یاری گل‌دره، ۱۳۹۱: ۶۰).

- در *سندبادنامه* ظهیری سمرقندی (تألیف حدود ۶۰۰ ق) چنانکه گذشت، جمعاً شانزده بیت از عمادی آورده شده که یکی از آنها در دیوان چاپی نیامده است (همان).
- عوفی (۱۳۳۵: ۴۳۱-۴۳۶) در تذکره خود سه قصیده عمادی را از دیوان وی انتخاب و نقل کرده است.

- در *کتاب المعجم* چنانکه گفته شد، جمعاً ۳۴ بیت از اشعار عمادی باقی مانده است که بعضی از آنها در دیوان چاپی شاعر دیده نمی‌شود (یاری گل‌دره، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۱).
- جمال خلیل شروانی در *نزهة المجالس* (گردآوری حدود ۶۲۲-۶۴۹ ق)^۱ سه رباعی به نام عماد غزنوی آورده است (جمال خلیل شروانی، ۱۳۷۵: ۳۰۴ (رباعی ۱۱۸۵)، ۳۷۲ (رباعی ۱۷۳۶)، ۶۶۱ (رباعی ۳۹۴۷). رباعی اخیر ممکن است از شرف‌الدین شفروه باشد. نک: میرافضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۴).
- در مجموعه ادبی کهنی که اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم جمع‌آوری و کتابت شده و به اهتمام حبیب یغمایی با نام *نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم* به چاپ رسیده است، یک ترجیع‌بند و چهار قصیده به نام عمادی غزنوی مسطور است (مجموعه شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۸-۱۲۴).^۲

- ابومجد محمد تبریزی، *مدون سفینه تبریز*، رباعی‌نامه‌ای با نام *خلاصه الاشعار فی الرباعیات* از جمع و تبویب خویش در همان مجموعه آورده و یک رباعی از عمادی در آن گنجانده (ابومجد محمد تبریزی، ۱۳۸۱: ۶۰۳) که در دیوان شاعر نیامده است.
- در *سفینه شعری کهنی* از سده هشتم که میان جنگ‌پژوهان به «بیاض ترمذ» نامبردار شده است، یک قصیده و پنج غزل^۳ و یک قطعه از عمادی آمده که از این میان یک غزل هشت بیتی و یک قطعه سه بیتی در دیوان چاپی نیست.

^۱ پژوهشگر ارجمند و دوست گرامی، آقای سید علی میرافضلی با استناد به قول آقای محسن فرزانه، نام مهدی‌الیه کتاب را که در قصیده پایان کتاب آمده است، فرامرز خواننده و در نتیجه تاریخ تألیف کتاب را در حدود سال‌های قتل علاء‌الدین فرامرز شروانشاه (۶۵۸ ق) دانسته است (میرافضلی، ۱۳۷۶: ۹۲-۹۴). نگارنده به لطف دوست عزیز، آقای بهروز ایمانی به تصویر خوبی از نسخه کتابخانه سلیمانیه دسترسی یافت و معلوم شد همان فریبز درست است. در نسخه، «یبرز» (بدون نقطه) نوشته شده و محتمل است که کاتب بخشی از آغاز کلمه را انداخته باشد. به هر روی فرامرز خواننده نمی‌شود.

^۲ مجموعه اشعار شماره ۹۸۶۲ کتابخانه مجلس که به خط اسماعیل امیرخیزی است و اشعاری از عمادی دارد، به احتمال زیاد از روی مجموعه ۲۴۴۹ انتخاب و کتابت شده است.

^۳ این پنج غزل که همگی در قسم غزلیات آمده، در واقع بخشی از قصاید عمادی است که جز یکی، باقی در دیوان چاپی او آمده‌اند.

- در سفینه بولونیا (گ ۳ پ) یک قصیده از عمادی آمده، اما نسخه در همین جا افتادگی دارد و فقط پنج بیت آغاز آن مانده است. یک بیت از این پنج بیت در دیوان چاپی نیست.

- غزلی از عمادی در *مونس/الاحرار* محمد بن بدر جاجرمی (گ ۱۶۶ پ و ۱۶۷ ر)، نسخه خط مؤلف (کتابت ۷۴۱ ق) ثبت است که در دیوان چاپی به اشتباه در بخش قصاید آورده شده است (عمادی شهریار، ۱۳۸۱: ۷۰-۷۱).

- در مجموعه اشعار و مراسلات مورخ ۷۴۲ ق، یک رباعی به نام عمادی درج شده که در دیوان چاپی نیامده است (مجموعه شماره ۴۸۷ کتابخانه لالا اسماعیل در استانبول: گ ۲۰۲ ر).

- در بیاض کهنی از اشعار (کتابت ۷۵۴ ق) که تبویب موضوعی شده و ذیل هر باب، بیت‌هایی متناسب آن موضوع آورده شده، ۱۳۹ بیت به نام عمادی شهریار است (سفینه شماره ۴۴۹ کتابخانه راغب پاشا در استانبول: گ ۱۳ پ، ۱۹ پ، ۲۳ ر - ۲۳ پ، ۲۶ ر، ۳۰ ر - ۳۰ پ، ۳۵ پ، ۳۷ ر، ۴۶ ر، ۴۶ پ، ۵۸ پ - ۵۹ ر، ۶۱ پ - ۶۲ ر، ۶۶ ر، ۷۳ ر، ۷۵ ر - ۷۵ پ، ۷۸ ر، ۸۴ ر - ۸۴ پ، ۸۸ پ - ۸۹ ر، ۹۱ ر، ۹۱ پ - ۹۲ ر، ۱۳۴ پ). طبعاً برخی از ابیات نویافته‌اند و از این میان است چهار بیت از یک مثنوی در باب «حث علی السفر» (همان: ۱۳۴ پ).

- نسخه ناقصی از سفینه‌ای کهن که خویشاوندی تام با بیاض پیشین دارد و احتمالاً در نیمه دوم قرن هشتم به کتابت درآمده است ۱۵۰ بیت پراکنده از عمادی، اغلب با عنوان «لعمادی الشهریاری» و یک جا «لعمادی الغزنوی» دارد (سفینه شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج‌بخش پاکستان: ۲۰-۲۳، ۵۰، ۵۸، ۶۹-۷۰، ۸۲، ۸۴-۸۵، ۱۰۱ (با عنوان «لعمادی الغزنوی»)، ۱۰۲-۱۰۱، ۱۲۸-۱۲۹، ۱۶۰، ۱۶۷-۱۶۹) که برخی از ابیات، نویافته‌اند.

- در سفینه شماره ۵۳۴ کتابخانه مجلس سنا (کتابت قرن دهم ق) که در واقع تدوین دیگری از دو مجموعه قبلی است، ۱۹۷ بیت پراکنده از عمادی آمده است که تعداد قابل توجهی از آنها نویافته‌اند (سفینه شماره ۵۳۴ کتابخانه مجلس سنا: گ ۲۵ پ، ۲۷ پ، ۴۰ ر، ۶۱ پ، ۷۲ ر، ۷۸ پ - ۷۹ ر، ۹۳ پ، ۹۸ پ - ۹۹ ر، ۱۰۳ ر - ۱۰۳ پ، ۱۱۰ پ، ۱۱۲ ر، ۱۱۵ ر - ۱۱۵ پ، ۱۲۰ ر (با عنوان «لعمادی الغزنوی»)، ۱۲۹ ر، ۱۳۸ ر - ۱۳۸ پ، ۱۵۳ پ، ۱۶۲ پ - ۱۶۳ ر، ۱۶۵ ر، ۱۷۰ پ، ۱۷۱ پ - ۱۷۲ ر، ۱۷۷ ر، ۱۷۹ پ، ۱۸۵ ر - ۱۸۵ پ، ۱۸۸ پ، ۱۹۳ پ، ۱۹۵ پ، ۱۹۸ پ، ۱۹۹ پ، ۲۰۰ پ - ۲۰۱ ر، ۲۰۱ پ، ۲۰۵ پ - ۲۰۶ ر، ۲۳۸ پ، ۲۴۹ ر (با عنوان «لعماد الغزنوی»)، ۲۵۲ ر، ۲۵۹-۲۵۹ پ). در اینجا نیز نام شاعر اغلب عمادی شهریار، و دو جا عمادی غزنوی ضبط شده است.

- در سفینه شماره ۵۳۱۹ کتابخانه ملی ملک (۳۴۳-۳۴۵) که کتابت قرن دهم است ولی احتمالاً در نیمه دوم قرن هشتم تدوین شده، یک قصیده کامل (قصیده ۳۹ دیوان چاپی است که در این سفینه شش بیت بیشتر دارد) و دو بیت نویافته آمده است (همان: ۵۸۱).

- سفینه‌ای از اشعار قدما که به شماره ۲۰۳ در کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد (مجموعه محمود فرخ) نگهداری می‌شود، روزگاری جلد دوم سفینه شماره ۲۴۳ کتابخانه مجلس سنا بوده است (بشری، ۱۳۹۰: ۷۳-۷۴). در جلد دوم این سفینه، سیزده قصیده به نام عمادی غزنوی مسطور است (سفینه شماره ۲۰۳ کتابخانه دانشکده ادبیات مشهد: ۴۹۹-۵۱۳).^۱

- سفینه شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس سنا از منابع خوب و اصیل برای جمع‌آوری دیوان عمادی است. در این سفینه که احتمالاً در قرن هشتم گرد آمده اما نسخه خطی‌اش از قرن یازدهم است، شش قصیده و شش قطعه و دو غزل و یک رباعی از عمادی غزنوی آمده است (سفینه شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس سنا: ۱۵۳-۱۶۱، ۳۴۸-۳۵۲، ۴۵۰).^۲ از این میان، یک قصیده نوزده بیتی و چهار قطعه (پنج و هفت و یازده و چهار بیتی) و یک رباعی^۳ تازه‌یاب‌اند.

- در جنگ / اسکندری (۸۱۳-۸۱۴ ق)، (گ ۱۴۲) سه بیت از قطعه ۱۶ دیوان مندرج است.
- در سفینه شماره ۷۹۸ کتابخانه مجلس سنا (گ ۲ پ-۳ ر)، قصیده ۳۶ دیوان چاپی با عنوان «عمادالدین غزنوی» در ۴۵ بیت، یعنی هجده بیت افزون بر صورت چاپ‌شده در دیوان، آمده است. چند ورق بعدتر، دو قصیده دیگر با عنوان «عمادی» هست (همان: گ ۳۰ پ) که اولی در دیوان قوامی رازی (۱۳۳۴: ۵۰) نیز دیده می‌شود و قصیده دوم در مدح مجدالدین نامی است. سفینه ۷۹۸ سنا احتمالاً در اواخر قرن دهم جمع‌آوری و کتابت شده است.

- در سفینه شماره ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (۷۴-۷۶) که عمدتاً حاوی

^۱ قصیده تازه‌ای نسبت به دیوان چاپی ندارد، اما قصیده ۹ دیوان در سفینه مذکور یک بیت، قصیده ۱۱ هشت بیت، قصیده ۱۲ سیزده بیت، قصیده ۱۶ یک بیت، قصیده ۱۷ چهار بیت، قصیده ۲۱ یک بیت بیشتر از دیوان چاپی دارند. از دوست عزیزم دکتر جواد بشری که تصویر این سفینه را در اختیارم گذاشت سپاسگزارم.

^۲ قصیده ۱۲ دیوان در این سفینه سیزده بیت، قصیده ۲۰ هشت بیت، قصیده ۲۱ یک بیت، قصیده ۳۷ سه بیت، غزل ۶ و ۱۰ هر کدام یک بیت، غزل ۲۶ که در واقع قطعه‌ای مقفاس پنج بیت، و غزل ۲۵ که ظاهراً قصیده‌ای است، ده بیت بیشتر از دیوان چاپی دارند.

^۳ این رباعی در دیوان مجد همگر (۱۳۷۵: ۷۳۱) نیز آمده است.

اشعار شاعران شیعی است، قصیده‌ای به نام عمادی در «مناقب مرتضی علی کرم الله وجهه در کشتن عنتر لعین» مسطور است که با توجه به زبان جدید شعر، بعید است از عمادی غزنوی باشد.

- مأخذ اصلی اشعار عمادی، فعلاً خلاصه/الاشعار است. تقی کاشی، احوال و منتخب اشعار عمادی را در مجلد اول از رکن اول کتاب خویش آورده است. دو نسخه شماره S.P.799 کتابخانه ملی پاریس و Or.298 کتابخانه بریتانیا که نسخه‌های دیوان عمادی شناسانده شده‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۸: ۹۶/۱، ۵۲۰-۵۲۱)، در واقع استنساخ از همین منتخب تقی کاشی‌اند. جز این، در دو دستنویس خلاصه/الاشعار هم می‌توان دیوانچه شاعر را با اختلاف در تعداد اشعار و ابیات سراغ کرد (نسخه خطی شماره ۲۷۲ کتابخانه مجلس: گ ۳۴۷ پ-۳۵۹ پ؛ نسخه خطی شماره ۵۹۶۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: گ ۴۲ ر-۴۵ پ). دستنویس دوم در حقیقت انتخابی از اصل کتاب است. در نسخه کتابخانه ایندیا آفیس که فقط ترجمه احوال شاعران آمده است، مؤلف تعداد ابیاتی را که از دیوان عمادی انتخاب کرده، ۱۸۰۰ بیت برشمرده است (تقی کاشی، نسخه ش ۶۶۷ ایندیا آفیس: گ ۲۴۶ پ).

- یکی دیگر از مأخذ اصلی برای جمع‌آوری دیوان عمادی، بیاض تقی کاشی است که تا کنون مورد توجه واقع نشده است. او در این بیاض، ۶۹۸ بیت از اشعار عمادی را اعم از ترکیب‌بند، قصیده، قطعه، و غزل به خط خویش نوشته است. مأخذ وی بی‌شک دیوان عمادی بوده است؛ زیرا هم ترکیب‌بند و قصاید و مقطعات تازه‌ای نسبت به خلاصه/الاشعار در این بیاض آمده و هم در اشعار مشترک معمولاً صورت مندرج در بیاض کامل‌تر است.^۱ وجود سرسخن‌های حاوی نام دقیق و صحیح ممدوحان که در متن شعر فقط بخشی از نامشان آمده نیز نشان می‌دهد که این اشعار از روی نسخه معتبری کتابت شده‌اند. از میان این اشعار، یک ترکیب‌بند هفتاد بیتی، دو قصیده هفده و چهارده بیتی، دو قطعه هجده و ده بیتی، هشت قصیده ناقص یا قطعه در دیوان چاپی نیامده است (بیاض ش ۱۰۶۶ مرکز احیاء میراث اسلامی: ۲۲۷، ۲۳۹-۲۴۸، ۲۶۹).

- امین احمد رازی (۱۳۸۹: ۱۱۷۱-۱۱۷۸) منتخبی از اشعار او را، ۱۳۷ بیت، در تذکره

^۱ مثلاً به واسطه این بیاض، درمی‌یابیم که غزل شماره هفت دیوان چاپی، در حقیقت آغاز قصیده‌ای ۲۳ بیتی در مدح تاج‌الدین دولت‌شاه بن علاء‌الدوله است.

خویش (تألیف ۱۰۰۲ ق) آورده است. بعضی از اشعاری که او آورده در خلاصه‌الاشعار نیست، پس مأخذی جز تذکره تقی کاشی در اختیار داشته است. بعضی از این اشعار در دیوان چاپی عمادی نیامده است.

- در فرهنگ جهانگیری (پایان تألیف: ۱۰۱۷ ق) نیز در شاهد لغات «شار» و «ستونه» و «خرده» چهار بیت به نام عمادی یا عماد شهریاری آورده شده که در دیوان چاپی وی دیده نمی‌شود (یاری گل‌دره، ۱۳۹۱: ۶۲). ذیل لغت «شار» (میرجمال‌الدین حسین انجو شیرازی، ۱۳۵۱: ۳۸۷/۱) می‌خوانیم: «عماد شهریاری از برای سراج‌الدین قمری گفته:

قمری که به گاه فرق نشناخت از پهلوی شیر، سینه‌ش شار
از شعر به فرّ تو برآورد از شعله‌نار، دانه‌نار»

- در تذکره خیرالبیان (پایان تألیف ۱۰۱۹ ق)، شانزده بیت به نام عماد شهریاری و ۲۹ بیت به نام عماد غزنوی آمده است که از هر دو بخش، بعضی اشعار در دیوان چاپی نیست (حسین بن غیاث‌الدین محمود سیستانی: ۱۲۲، ۱۲۶).

- صاحب عرفات‌العاشقین (پایان تألیف ۱۰۲۴ ق) ۲۶۱ بیت از اشعار او را به طریق انتخاب آورده است (اوحدی بلبانی، ۱۳۸۹: ۲۶۸۲/۵-۲۶۹۶) که همگی در دیوان هست.

- در طراز‌الاکابر عبدالنّبی فخرالزمانی (تألیف ۱۰۴۱ ق) هم ۲۳ بیت به نام عمادی شهریاری ثبت شده که اکثراً در دیوان چاپی او نیامده است (عبدالنّبی فخرالزمانی: گ ۱۱۱ ر، ۲۰۷ ر، ۵۳۴ ر، ۵۳۵ ر). یک جا ذیل عنوان «انتخاب از دیوان عمادی شهریاری» پنج بیت از او آورده شده (همان: گ ۲۰۷ ر) و چون این ابیات در منابع دیگر دیده نشده، احتمال دارد که فخرالزمانی در اواسط قرن یازدهم، دیوان عمادی را در دست داشته است.

منابع

ابن اسفندیار کاتب (۱۳۲۰)، تاریخ طبرستان، به تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابخانه خاور.
ابوالمجد محمد تبریزی (۱۳۸۱)، خلاصه‌الاشعار فی الرباعیات، سفینه تبریز، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ابوحنیفه عبدالکریم بن ابی‌بکر (۱۳۸۹)، «مجمع الرباعیات»، به کوشش بهروز ایمانی، اوراق عتیق، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۱۷-۵۴.

- ابوطالب تبریزی، خلاصه الافکار، نسخه شماره ۴۳۰۳ کتابخانه ملک، مورخ ۱۲۴۰ ق.
- ابونصر انوشروان بن خالد الکاشانی (۱۹۷۴ م)، تاریخ دولت سلجوق، القاهره، دار الرائد العربی.
- احمد بن محمد بن زید طوسی (۱۳۸۲)، قصه یوسف، به اهتمام محمد روشن، تهران، علمی و فرهنگی.
- افشار، ایرج (۱۳۹۰)، «هشت شاعر در سفینه بولونیا»، سفینه و بیاض و جنگ، تهران، سخن، ص ۲۴۵-۲۶۲.
- اقبال، عباس (۱۳۸۴)، وزارت در عهد سلاطین بزرگ سلجوقی، تهران، دانشگاه تهران.
- امین احمد رازی (۱۳۸۹)، تذکره هفت اقلیم، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران، سروش.
- انوری (۱۳۷۶)، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران، علمی و فرهنگی.
- اوحدی بلیانی (۱۳۸۹)، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، به تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد، به نظارت محمد قهرمان، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و میراث مکتوب.
- بدرالدین قوامی رازی (۱۳۳۴)، دیوان، به تصحیح جلال الدین ارموی محدث، تهران، سپهر.
- بشری، جواد (۱۳۹۰)، «جلد دوم سفینه ۲۴۳ سنه، پابگ (۱۱)»، آینه پژوهش، شماره پیاپی ۱۳۰، ص ۶۴-۷۴.
- بیاض شماره ۱۰۶۶ مرکز احیاء میراث اسلامی، به خط تقی کاشی، کتابت اوایل قرن یازدهم قمری.
- تقی کاشی، خلاصه الاشعار و زبدة الافکار، نسخه خطی شماره ۲۷۲ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۰۰۷ قمری.
- _____ نسخه خطی شماره ۵۹۶۴ دانشگاه تهران، مورخ ۱۰۳۳ قمری.
- _____ نسخه خطی شماره ۶۶۷-۶۶۸ کتابخانه ایندیا آفیس در لندن.
- جمال خلیل شروانی (۱۳۷۵)، نزهة المجالس، تصحیح محمدامین ریاحی، تهران، علمی.
- _____ نسخه شماره ۱۶۶۷ مجموعه علی امیری جارالله در سلیمانیه، مورخ ۷۴۱ قمری.
- جنگ / اسکندری، نسخه خطی شماره Add.27261 موزه بریتانیا، مورخ ۸۱۳-۸۱۴ قمری.
- حسین بن غیاث الدین محمود سیستانی، خیرالبیان، نسخه شماره ۹۲۳ کتابخانه مجلس، مورخ ۱۰۸۷ قمری.
- دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۸)، فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران.
- «دو دیوان کهن از روزگار مغول» (۱۳۸۹)، به کوشش حسن عاطفی، پژوهش های ایران شناسی (آفرین نامه)، جلد بیستم، به کوشش نادر مطلبی کاشانی، تهران، موقوفات محمود افشار، ص ۱۱۴-۱۴۷.
- راوندی (۱۳۳۳)، راحة الصدور و آية السرور، تصحیح محمد اقبال، تهران، امیرکبیر.
- رضی الدین نیشابوری (۱۳۹۰)، «رضی نامه»، تصحیح افشین عاطفی، متون ایرانی، به کوشش جواد بشری، دفتر یکم، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ص ۱۳-۱۲۲.
- سفینه بولونیا، نسخه شماره ۳۲۸۳ کتابخانه دانشگاه بولونیا در ایتالیا، کتابت اوایل قرن هشتم قمری.
- سفینه شماره ۱۴۴۵۶ کتابخانه گنج بخش پاکستان، کتابت نیمه دوم قرن هشتم قمری.
- سفینه شماره ۲۰۳ کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، احتمالاً کتابت قرن یازدهم قمری.

- سفینه شماره ۲۴۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، احتمالاً کتابت نیمه اول قرن دوازدهم قمری.
- سفینه شماره ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابت اواسط قرن دهم قمری.
- سفینه شماره ۴۴۹ کتابخانه راغب پاشا در استانبول، مورخ ۷۵۴ قمری.
- سفینه شماره ۵۳۱۹ کتابخانه ملی ملک، کتابت قرن دهم قمری.
- سفینه شماره ۵۳۴ کتابخانه مجلس سنای سابق، کتابت قرن دهم قمری.
- سفینه شماره ۶۵۱ کتابخانه مجلس سنای سابق، کتابت قرن یازدهم قمری.
- سفینه شماره ۷۹۸ کتابخانه مجلس سنای سابق، احتمالاً کتابت اوایل قرن سیزدهم قمری.
- سنایی غزنوی (۱۳۵۴)، دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، تهران، کتابخانه سنایی.
- سید حسن غزنوی (۱۳۶۲)، دیوان، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران، اساطیر.
- سیف‌الدین اسفرنگی (۱۳۵۷)، دیوان، تصحیح و تحقیق زبیده صدیقی، مولتان.
- شمس قیس رازی (۱۳۳۸)، المعجم، به تصحیح محمد قزوینی و مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران.
- صدرالدین ابوالحسن علی حسینی (۱۳۸۰)، زبدة التواریخ، تهران، ایل شاهسون بغدادی.
- ظهیر فاریابی (۱۳۸۱)، دیوان، تصحیح امیرحسن یزدگردی، به اهتمام اصغر دادبه، تهران، قطره.
- ظهیرالدین نیشاپوری (۲۰۰۴ م)، سلجوق‌نامه، به کوشش ای. ایچ. مورتن، بنیاد ای. جی. دابل‌یو. گیب.
- ظهیری سمرقندی (۱۳۶۲)، سندبادنامه، تصحیح احمد آتش، تهران، کتاب فرزانه.
- عابدی، محمود و عباس بگ‌جانی (۱۳۹۲)، «قصیده‌ای از سید حسن در دیوان سنایی»، آینه میراث، پیاپی ۵۲، ص ۱۶۱-۱۸۹.
- عبدالباقی نهبانندی (۱۹۲۴)، مآثر رحیمی، به کوشش محمد هدایت حسین، کلکته.
- عبدالنبی فخرالزمانی، طراز الاخبار، نسخه خطی شماره ۳۵۸ کتابخانه مجلس سنا، مورخ ۱۰۴۳ قمری.
- عمادی شهریار (۱۳۸۱)، دیوان، مقدمه و تصحیح ذبیح‌الله حبیبی‌نژاد، تهران، طلایه.
- عوفی، محمد (۱۳۳۵)، لباب الالباب، به کوشش سعید نفیسی، تهران، ابن سینا.
- فرائد السلوک (۱۳۶۸)، تصحیح و تحشیه نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی، تهران، پاژنگ.
- فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۰)، سخن و سخنوران، تهران، خوارزمی.
- قزوینی، محمد (۱۳۳۲)، «ممدوح عمادی»، بیست مقاله قزوینی، جلد دوم، تهران، ابن سینا، ص ۳۴۳-۳۵۴.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳)، «احمد بن منوچهر شصت‌کله»، مقالات، جلد دوم، تهران، اساطیر، ص ۴۵۳-۴۸۵.
- کمال‌الدین اسمعیل (۱۳۴۸)، دیوان، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران، دهخدا.
- مجد همگر (۱۳۷۵)، دیوان، به تصحیح احمد کرمی، تهران، ما.
- مجملة التواریخ و القصص (۱۳۷۹)، نسخه عکسی مورخ ۷۵۱ (کتابخانه دولتی برلین)، تهران، طلایه.
- مجموعه اشعار و مراسلات، نسخه شماره ۴۸۷ لالا اسماعیل در کتابخانه سلیمانیه، مورخ ۷۴۲ قمری.
- مجموعه شماره ۲۴۴۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، کتابت اواخر قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم قمری.
- مجموعه شماره ۴۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابت قرن یازدهم قمری.

محدث (حسینی ارموی)، میرجلال‌الدین (۱۳۵۸)، *تعلیقات نقض*، تهران، انجمن آثار ملی.
محمد بن بدر جاجرمی، *مونس الاحرار*، نسخه مؤلف شماره ۱۱۲۷۲ در کتابخانه مجلس، مورخ ۷۴۱ قمری.
منهاج سراج (۱۳۴۳)، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، دو جلد، کابل، انجمن تاریخ افغانستان.
میرافضلی، سید علی (۱۳۷۶)، «بررسی نزهة المجالس»، معارف، دوره چهاردهم، شماره پیاپی ۴۰، ص ۹۰-۱۴۷.

میرجمال‌الدین حسین انجو شیرازی (۱۳۵۱)، *فرهنگ جهانگیری*، ویراسته رحیم عفیفی، مشهد، دانشگاه مشهد.

ناصرالدین منشی کرمانی (۱۳۳۸)، *نسائم الاسحار من لطائف الاخبار*، تهران، دانشگاه تهران.
نجم‌الدین ابوالرجاء قمی (۱۳۸۸)، *ذیل نغمة المصنوع*، رونویسی حسین مدرّسی طباطبایی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

هنر، علی محمد (۱۳۸۶)، *یادداشت‌های سندبادنامه*، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
یاری گل‌دره، سهیل (۱۳۹۱)، «پژوهشی در اشعار عمادی شهریار»، *کتاب ماه ادبیات*، شماره پیاپی ۱۹۱، ص ۵۸-۶۸.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۴۷)، *مقدمه بر التصفیة فی احوال المتصوّفه*، قطب‌الدین العبادی، بنیاد فرهنگ ایران.